

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

انجنیر سید مختار دریا

۱۲ جنوری ۲۰۲۰



پاره جگر

من پاره جگر سر بازار برده ام

تا با فروش آن چندی به نان خشک و کف آب سر کنم

ای کاش این ترانه بدبختی مرا

یک گوش بشنود

من پاره جگر سر بازار برده ام

چون ساز غم به نغمه جانکاه سر زنان

از حنجر ز درد گلوگیر کرده اش

بر می جهد که تا بنوازم چنین نوا

من پاره جگر سر بازار برده ام

بشنو ترانه دل مرگ آرزوی من

آه... این یک ترانه نیست

صوت شکست قامت شاخ غرور من

در زیر پتک فقر درین خاکدان بود
ای گوشها کجا شده درک شنود تان
شاید کسی که بشنود این ناله سر رسد
تا با خرید پاره جگرم فرصتی دهد
یک فرصتی فقط یک فرصت حیات
بر چهار طفل دیگر زار و مریض من
من سایه های زشت هیولای مرگ را
هرشب به روی بام و در خانه شادم
ایکاش زود تر برسد تا ر هاندم
زاین تنگنای خاکی بیحاصل حیات
تا دیگر این ترانه پر درد و رنج را
در لابه لای بستر خاکی نهان کنم
دیگر نخوانم این غزل خونچکان غما
این تک ترانه ای ز دل رنج دیده اما

من پاره جگر سر بازار برده ام
در کوچه های شهر بلند است ناله ام
شاید که آن غنوده به خواب گران شان
در خواب زاین نوای دلم با خبر شوند
اندر صبح چون زخمار گران شب
بیدار و جام خون دل ما به لب برند
با خنده های زشت و کریهی به همدگر
پرسند آن ترانه سرای سرک چه شد؟
آنکس که می سرود
من پاره جگر سر بازار برده ام

"مختار دریا" کانادا